

بسم الله الرحمن الرحيم

آنچه قابل مالکیت را دارد رزق است

(ترجمه)

السلام علیکم و رحمت الله و برکاته شیخ عالم و بزرگ.

اگر شما لطف بفرمائید سوالی را برایم جواب دهید که هنوز به جواب قناعت بخش در خصوص آن دست پیدا نکردم، از الله سبحانه و تعالی مسألت دارم که جواب این سوال در نزد شما باشد.

سوال: آیا رزق تنها منحصر به مال می‌شود؟ یعنی مال هر آنچیزی است که به سبب شرعی مالکیت آنرا شخص کسب می‌کند؟ و یا به عبارت دیگر مال شامل پول نقد، اموال منقول و غیر منقول بوده و اینها بخشی از رزق و تمام اقسام رزق را شامل نمی‌شود؟ مثلاً ازدواج زن صالح، سلامتی، پیروزی و نسل و اولاد صالح همچنان از جمله رزق به حساب می‌آید؟

الله تعالی شما را جزای خیر دهد.

محمدالحارثی

جواب: و علیکم السلام و رحمت الله و برکاته،

بدون شک هر دارایی که در اختیار انسان است رزق است.

1. در لسان العرب آمده است: «رزق به معنی عطاء و بخشش است و کلمه‌ای رزق مصدر است که در این قول استفاده شده است "رزقه الله"، گاهی باران رزق نامیده شده چنانچه در این قول الله سبحانه و تعالی وارد شده است:

(وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا)

ترجمه: (و هر آنچه از رزقی که الله سبحانه و تعالی از آسمان فرو فرستاده و به لطف آن زمین را پس از مرگش زنده کرده)

و همچنان الله سبحانه و تعالی فرموده است:

(وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ)

ترجمه: و در آسمان است رزق شما و نیز آنچه به شما وعده داده می‌شود.

مجاهد گفته است منظور از رزق در اینجا باران است و این وسعت زبان را نشان می‌دهد... و ارزاق الجند یعنی غذای لشکر «و قد ارتزقوا» یعنی غذا خوردند و "رزقه" به فتح به معنی یک وعده غذایی است که جمع آن "رزقات" یعنی وعده‌های غذایی می‌باشد و مفهوم «ارتزق الجند» یعنی لشکر غذایی خود را گرفت و این قول الله سبحانه و تعالی:

(وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْكُمْ تُكذِّبُونَ)

ترجمه: و تنها بهره خود را انکار قرار می‌دهید؟

یعنی شما شکر رزق خود را تکذیب می‌کنید مثل این قول شان «مطرنا بنوء الثريا» یعنی ما از باران‌های فراوان ستارگان آب داده شدیم مثل این قول است (وَأَسْأَلُ الْقَرْيَةَ) یعنی از اهل قریه سوال کن و امیر لشکر

خود را رزق داد و آنها نیز غذا گرفتند و گفته می‌شود لشکر فقط یک بار غذا داده شد و دو رزق داده شدند یعنی دو مرتبه. این بری...)

2. در قاموس المحيط آمده است: «رزق به کسر «را» آنچه‌ای است که توسط آن نفع رسانده می‌شود مانند مرتزق و مطر و جمع آن ارزاق است و به فتح مصدر حقیقی است به معنی یک وعده غذایی که جمع آن رزقات به صورت حرکت دار به معنی وعده‌های غذایی لشکر می‌باشد» و رزقه الله یعنی الله سبحانه و تعالی به آن رزق داد و فلان رزق را شکر کرد و از همین قبیل است که جمع آن ارزاق است: (وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْكُمْ تُكذِّبُونَ).

3. در کتاب «الصالح في اللغة» آمده است: «رزق: آنچه‌ای است که از آن استفاده می‌شود و جمع آن ارزاق است، همچنان رزق به معنی عطاء است و آن مصدر این قول است «رزقه الله» و «رزقه» به فتح یک وقت غذا است که جمع آن «رزقات» است که به معنی وعده های غذایی لشکر است و معنی ارتزق الجند یعنی وعده‌های غذایی خود را گرفتند و این قول الله سبحانه و تعالی: (وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْكُمْ تُكذِّبُونَ) یعنی شکر رزق خود را تکذیب نمودید مثل این قول الله سبحانه و تعالی (و اسأل القرية) یعنی از اهل قریه سوال کن و باران هم رزق نام گذاری شده مثل این قول الله سبحانه و تعالی:

(وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ)

ترجمه: و هر آنچه از رزقی که الله سبحانه و تعالی از آسمان فرو فرستاده و به لطف آن زمین را زنده کرده است.

و همچنان این قول الله سبحانه و تعالی: (وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ)

ترجمه: و در آسمان رزق شما است

4. در "کراسه عن الرزق" آمده است: «اما مسأله رزق؛ در این خصوص آیات بسیاری قطعی الدلاله وجود دارد برای کسانی که قرآن ایمان دارند؛ مجالی نگذاشته مگر اینکه باید ایمان بیاورد که رزق به دست الله سبحانه و تعالی بوده و برای هرکسی که بخواهد می‌دهد و مسأله رزق غیر از مسأله قدر است، زیرا قدر آن است که الله سبحانه و تعالی می‌داند که فلان مسأله قبل از وقوع این مسأله اتفاق می‌افتد و او الله سبحانه و تعالی است که نوشته و مقدر کرده اما رزق به معنی این نیست که تنها الله سبحانه و تعالی می‌داند که فلان شخص روزی داده می‌شود و نوشته و مقدر کرده است بلکه در کنار این که رزق می‌دهد و رزق را نوشته و مقدر کرده است تنها او تعالی است که رزق را می‌دهد نه بنده، این موضوعی است که آیات قرآن کریم بر این دلالت دارد:

(لَا تَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى) مائده 88.

ترجمه: ما از تو رزقی نمی‌خواهیم و سر انجام در پرهیز کاری است.

(وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ)

ترجمه: از آنچه الله سبحانه و تعالی روزی تان داده به گوارائی و با میل و رغبت بخورید و از

الله که به او ایمان دارید پروا کنید

(اللَّهُ لَطِيفٌ بَعْبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ) شورای 19.

الله سبحانه و تعالی به بندگانش لطف بسیار دارد هر که را خواهد روزی می‌دهد و او بسیار

نیرومند و غالب است.

5. اما آنچه که تحت ملکیت نیست و دارائی به شمار نمی‌رود و شما در سوال خود ذکر کردید مانند: اولاد صالح، صحت‌مندی و سلامتی و هر آنچیزی که بر انسان مسلط بوده و در حیطة اختیار انسان نباشد همه این‌ها قضاء هستند و این موارد شامل رزق می‌شود، همچنان تمام افعالی که از انسان صادر و یا بالای انسان واقع می‌شود بدون آنکه در آن اختیاری داشته باشد... در "کراسه" موضوع قضاء و قدر تحت عنوان (نظر صحیح در مسأله‌ای افعال بنده گان) چنین آمده است:

(نظر صحیح در این مسأله نسبت به افعال بنده گان این است که انسان در دو دائره زنده گی می‌کند یکی از این دو دائره بر انسان مسلط بوده و آن دائره است که در چهارچوب تصرفات انسان و در تحت چهار چوب افعال بنده گان واقع شده و به آن مبادرت می‌ورزد و به اختیار آن انجام می‌شود. دائره دیگری که بر انسان مسلط گردیده دائره است که انسان در چوکات آن واقع شده و در ضمن این دائره افعالی واقع می‌شود که انسان در آن دخل نداشته خواه از انسان صادر شود و یا بر انسان واقع شود، پس افعالی که در دائره است که بر انسان مسلط است انسان در آن اختیاری نداشته و هیچ نقش در ایجاد این افعال ندارد و این بخش به دو قسم است: یکی آن است که مطابق به نظام هستی بوده و قسم دیگر آن است که انسان در آن نقش نداشته و قدرت دفع آنرا ندارد و مطابق به نظام هستی نیز نمی‌باشد اما آنچه مطابق به نظام هستی است انسان مطابق به آن مطیع بوده و همگام با آن در سیر جبری قرار دارد زیرا این بخش با نظام هستی، حیات طبق نظام مخصوص پیش رفته و تخلف نمی‌کند لذا اعمال در این دائره بدون اراده انسان صادر و انسان در این مسیر بدون اینکه در آن اختیاری داشته باشد در حرکت است...

پس همه این افعالی که در دائره واقع می‌شود که بر انسان مسلط است به نام قضاء یاد می‌شود، زیرا تنها الله سبحانه و تعالی است که این افعال را مقدر نموده و به همین دلیل بنده در خصوص این افعال محاسبه نمی‌شود هر چند که در آن نفع و یا ضرری باشد، مطابق به میل انسان باشد و یا خلاف میل آن، مطابق به تفسیر و تحلیل انسان خیری در آن باشد و یا شری، زیرا انسان هیچ نقش به این دائره و افعال نداشته و هیچ چیزی را از این‌ها و از کیفیت ایجاد این افعال ندانسته و به صورت مطلق نمی‌تواند که این افعال را دفع و یا جلب کند لذا بر انسان لازم است که به این قضاء ایمان آورده که همه این‌ها از جانب الله سبحانه و تعالی است...)

امیدوارم که در همین حد کفایت کند، الله سبحانه و تعالی از همه عالم‌تر و با حکمت‌تر است

برادر شما عطاء ابن خلیل ابوالرشته

11 صفر الخیر 1444 هـ ق

7 سپتمبر 2022 م

مترجم: مصطفی اسلام